

کاربرد الگوی دریافت مفهوم در آموزش زبان و ادبیات فارسی

حسین قاسم‌پور مقدم

که به ارائه‌ی این الگو همت گماشتند، بروس جویس و همکاران او (۱۹۹۲) بودند. در این جا به بررسی و تبیین الگوی اخیر (۱۹۹۲) خواهیم پرداخت.

همان طور که در آغاز این نوشته گفتیم، معلم در هر درس - چه آموزش زبان و چه آموزش ادب فارسی - مجموعه فعالیت‌های هدفداری را پیش‌بینی می‌کند و بر اساس آن‌ها به منظور تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی، به تدریس مفاهیم اساسی درس می‌پردازد. بخشی از این مفاهیم به طور مستقیم زیر مجموعه‌ی مفاهیم رشته و موضوع درسی هستند؛ مانند مباحث و مقولات زبان‌شناسی و دستور یا مقولات ادبی مانند غزل و استعاره. بخشی دیگر به آرمان‌ها و اهداف عالی انسانی مانند خداشناسی، خودشناسی و جهان‌شناسی مربوط می‌شوند. در هر دو حال، همواره باید متوجه شد آن باشیم که دانش‌آموزان به درستی مفاهیم درس را دریافت کنند. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که ساختار درس‌های کتاب زبان فارسی با الگوی دریافت مفهوم تناسب بیشتری دارد. نمونه‌های زیر نحوه‌ی استفاده از این الگو را در تدریس و آموزش زبان و ادبیات فارسی نشان می‌دهد.

هر یک از دروس زبان و ادبیات فارسی در دوره‌های آموزشی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی مجموعه‌ای از مفاهیم و نکات اساسی را به دانش‌آموزان عرضه می‌کند. یکی از اهداف آموزش این است که این مفاهیم به درستی و بر اساس اصول و معیارهای علمی و منطقی برای مخاطبان برنامه‌های درسی (دانش‌آموزان) تشریح و روشن شود. در واقع، درون‌مایه‌ی کتاب‌های درسی، مفاهیم، اصول و قواعد هستند که به تناسب ماهیت هر درس در قالب و شکلی خاص تنظیم و تدوین می‌شوند.

در این شماره، قصد داریم کاربرد یکی دیگر از الگوهای تدریس را در آموزش زبان و ادبیات فارسی نشان دهیم. در شماره‌های گذشته، ضمن معرفی «الگوهای تدریس گانه و مریل» (Gane and Merrill) به اهمیت تأکید بر مفاهیم بنیادی در تدریس اشاره کردیم و دیدیم که چگونه صاحب‌نظران عرصه‌ی آموزش و پرورش، این موضوع را در تقویت فرایند یادگیری - یاددهی مهم و اساسی دانسته‌اند. اساس نظری الگوی دریافت مفهوم را «برونر» مطرح کرد (۱۹۵۶) اما بعدها افراد دیگری نظریات او را توسعه و تکامل بخشیدند. آخرین گروهی

درباره‌ی تفاوت‌ها و شباهت‌های این جمله‌ها حرفی بزنند، نظریات و دریافت‌های درست دانش‌آموزان را تأیید می‌کند.

● از دانش‌آموزان می‌خواهد تا برای مفهوم درس (جمله‌ی سه جزئی با متمم) نمونه‌هایی ذکر کنند. همه‌ی نمونه‌ها را روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزی می‌خواهد موارد نادرست را از درست تمیز دهد و علت نادرستی یا درستی آن‌ها را بیان کند.

● در پایان، دانش‌آموزان نحوه‌ی پی بردن به این مفهوم را توضیح می‌دهند و درباره‌ی ویژگی‌های مفهوم بحث و گفت‌وگو می‌کنند.

آسمان ابری است □

● معلم برای پی بردن به این که آیا دانش‌آموزان مفهوم مورد نظر او را دریافت‌اند یا نه، از آنان می‌خواهد در یک فرصت پنج دقیقه‌ای دریافت‌های خود را بیان کنند. سپس نمونه‌های دیگری ارائه می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد جمله‌هایی را که دارای مفهوم مورد نظر هستند، با «بلی» و بقیه را با «خیر» مشخص کنند.

● معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد نام مفهوم مورد نظر درس را بازگو کنند. آنان درمی‌یابند که مفهوم این درس جمله‌ی سه جزئی با متمم است. در این هنگام، معلم بدون آن که به نام مفهوم مورد نظر اشاره کند یا

● معلم جمله‌های زیر را روی تخته‌ی کلاس می‌نویسد یا در صورت امکان در برگه‌هایی نوشته در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. آن‌گاه از آنان می‌خواهد جملات را بخوانند و مفهوم مورد نظر او را با توجه به علامت‌های مثبت و منفی که در مقابل جمله‌ها می‌بینند، شناسایی کنند.

۱- علی کتاب را خواند □ / ۲- او غذایش را خورد □ / ۳- حسن با دشمن جنگید □ / ۴- او از دشمن نمی‌ترسد □ / ۵- وقتی رزمنده‌ای را می‌بینند □ / ۶- به سبب دلآوری هایش به او می‌نازد □ / ۷- عبدالله در تاریکی شب به نخلستان می‌رود □ / ۸- تا دوست مجروحش را بیاورد □ / ۹-

طرح شماره‌ی یک: آموزش مفهوم جمله‌ی سه‌جزئی با متمم

● معلم چند بیت از شاهنامه‌ی فردوسی را روی تخته‌ی کلاس می‌نویسد. آن‌گاه از دانش‌آموزان می‌خواهد آن‌ها را به دقت بخوانند تا به مفهوم مورد نظر پی ببرند. دانش‌آموزی پای تخته می‌آید و بیت‌های مورد نظر را با علامت مثبت مشخص می‌کند.

چو نه ماه بگذشت بر دخت شاه
یکی پورش آمد چو تابنده ماه +
چو خندان شد و چهره شاداب کرد
ورا نام تهمینه سهراب کرد
چو یک ماه شد، همچو یک سال بود
برش چون بر رستم زال بود +
بگیر و ببر زنده بردار کن
وزو نیز با من مگردان سخن

بشد نیز رهام با خود و گبر
همی گرد رزم اندر آمد به ابر +
به گرز گران دست برد اشکبوس
زمین آهنین شد سپهر آبنوس +

چو رهام گشت از کشانی ستوه
بپسچید زو روی و شد سوی کوه
تهمتن چنین داد پاسخ که نام
چه پرسى کزین پس نبینی تو کام
مرا مادرم نام مرگ تو کرد
زمانه مرا پتک ترگ تو کرد +

که گفتت برو دست رستم ببند
نبندد مرا دست، چرخ بلند +
ز سم ستوران در آن پهن دشت
زمین شش شد و آسمان گشت هشت +
گذشت از لب رود و بالا گرفت
همی ماند از کار گیتی شگفت
خروشید کای فرخ اسفندیار
هماوردت آمد، برآرای کار^۲

● معلم از دانش‌آموزان می‌پرسد: آیا مفهوم مورد نظر درس را دریافت کرده‌اید؟ آن‌گاه چند دقیقه فرصت می‌دهد تا آنان دریافت‌های خود را مطرح کنند. سپس ابیات دیگری را از چند شاعر می‌خواند و آنان پس از شنیدن هر بیت نظر

خود را با گفتن «بلی» یا «خیر» اعلام می‌کنند.

● معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که نام مفهوم درس را بگویند. آن‌ها بیت‌ها را از جهات مختلف با یکدیگر مقایسه می‌کنند و به مفهوم اغراق پی می‌برند. آن‌گاه به بحث می‌پردازند و پس از ذکر نام مفهوم، دلایل خود را نیز بیان می‌کنند.

● معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد اگر می‌توانند برای مفهوم مورد نظر نمونه‌هایی از نظم یا نثر ارائه دهند. وقتی همه‌ی پاسخ‌ها روی تخته یادداشت شد، معلم یا یکی از دانش‌آموزان علت مثبت تلقی کردن نمونه‌های مشخص شده را توضیح می‌دهد.

● در پایان، چند نفر از دانش‌آموزان نحوه‌ی دریافت این مفهوم را شرح می‌دهند. در این میان، معلم نقش راهنما و هدایت‌گر را دارد.

راهبردهای آموزشی الگوی دریافت مفهوم

- ۱- برای این که بتوانیم از این الگو به خوبی استفاده کنیم لازم است: قبل از ورود به کلاس و تدریس درس جدید، تعدادی نمونه برای تمرین در کلاس و نشان دادن به دانش‌آموزان در اختیار داشته باشیم.
- ۲- فرصتی فراهم کنیم تا دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی دست‌یابی به مفاهیم صحبت کنند. در این صورت، آنان برای فهم مطالب بعدی آمادگی بیشتری خواهند داشت.
- ۳- با توجه به «الگوی پیش‌سازمان‌دهنده»^۳ می‌توان نمونه‌هایی را به دانش‌آموزان عرضه کرد که در ساخت‌شناختی و پردازش ذهنی آنان مؤثر بوده و در شکل‌گیری مطالب، جهت‌دار و هدفمند باشد.
- ۴- یکی از راهبردهای آموزشی برای آگاهی از چگونگی دریافت مفهوم این است که از دانش‌آموز بخواهیم برای ما بگویند که با مشاهده‌ی نمونه‌ها چه فکری به ذهنش راه یافته و بیشتر به کدام ویژگی‌های نمونه‌ها توجه داشته است؟ به چه دلیل این‌گونه فکر کرده و چه زمانی مجبور شده است فکر خود را تغییر دهد؟
- ۵- در دوره‌ی دبیرستان می‌توان از دانش‌آموزان خواست که

از این الگو بیشتر برای تدریس مفاهیم دستوری، آرایه‌های ادبی، عروض و قافیه و سبک‌شناسی می‌توان استفاده کرد. بسیاری از خودآزمایی‌های کتاب‌های ادبیات فارسی دوره‌ی متوسطه دانش‌آموز را به فعالیت‌های ذهنی و درنهایت، دریافت مفهوم خاص هدایت می‌کنند. بخشی از سوالات ارزش‌یابی نیم‌سال و پایان‌سال نیز به دریافت مفهوم اختصاص دارد. حتی در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها هم شاهد این موضوع هستیم؛ بنابراین، استفاده از الگوی دریافت مفهوم در آموزش زبان و ادبیات فارسی به تناسب موضوع و محتوا پیشنهاد و توصیه می‌شود. در این الگو، دانش‌آموزان به مقایسه و مقابله‌ی مجموعه‌ای از نمونه‌ها می‌پردازند و به دنبال آن، فرضیه‌ها و حدس‌هایی در ذهن آنان جوانه می‌زند. در واقع، در این الگو سیر آموزش با روح آموزش درس زبان و ادبیات سازگاری بیشتری دارد. درک مفهوم یکی از ضروریات شناخت و تحلیل متون ادبی است. معلمان در بسیاری از دروس ادبیات - به ویژه درس‌هایی که به مفاهیم ارزشی مربوط هستند - به آموزش مفاهیم می‌پردازند اما این الگو نحوه‌ی آموزش و دریافت مفاهیم را در چهارچوبی علمی و اصولی طرح می‌کند.

فرضیه‌ها و حدس‌های خود را در گروه‌های چند نفری یادداشت کنند؛ فرض کنید موضوع و مفهوم آموزشی ما «اسم مشتق^۲» باشد. در این صورت، توجه دانش‌آموزان را به این نمونه‌ها جلب می‌کنیم: باغ □ / پارک □ / فرزند □ / قلم □ / قلمدان □ / سخنران □ / کتابخانه □ / کتابدار □ / میوه □ / چهل ستون □ / مرغزار □ / پوشه □ / عروسک □ / پیام □ / دورنگار □ / بی ادب □ / و ...

سپس نمونه‌های زیر را ارائه می‌کنیم تا دانش‌آموزان ضمن مشخص کردن موارد مثبت و منفی فرضیه‌های خود را نیز بیان کنند یا بنویسند: پدر □ / آسایش □ / دانشمند □ / درخت □ / پرنده □ / خستگان □ / مداد □ / دفتر □ / خط کش □ / قلم تراش □ / باهنر □ / تراشه □ / و ... دانش‌آموزان ممکن است چنین فرضیه‌هایی را بسازند:

۱- موارد مثبت یک جزئی نیستند.

۲- از دو جزء مستقل و دارای معنی ساخته نمی‌شوند.

۳- از یک جزء معنی دار یا یک وند بی معنی و وابسته ساخته می‌شوند.

۴- معنایی غیر از جزء اصلی افاده می‌کنند؛ مثل پوشه که غیر از پوشیدن است و از ترکیب پوش + ه ساخته شده و بر چیز خاصی اطلاق می‌شود.

۵- بهتر است دانش‌آموزان پیش از ذکر نام مفهوم، نمونه‌های دیگری را بیان کنند. وقتی مفهوم اساسی درس دریافت شد و معلم با پرسش‌هایی متنوع از ایجاد و تثبیت آن‌ها در ذهن دانش‌آموزان اطمینان یافت، می‌تواند به نام‌گذاری مفهوم یا مفاهیم بپردازد؛ مثلاً بگوید: «آن چه امروز درباره‌ی آن بحث و بررسی کردیم، جمله‌ی سه جزئی یا متمم، اغراق و مشتق نامیده می‌شود.»

۶- آخرین راهبرد یادگیری این است که متن درس و نمونه‌های آن بررسی می‌شود. به این ترتیب، هرگاه معلم نمونه‌ای را از غیر کتاب درسی طرح می‌کند، دانش‌آموز قادر است مفهوم مورد نظر در آن را دریابد یا چند نمونه‌ی هم مفهوم را از نمونه‌های دیگر تمیز دهد.

اصول آموزشی در الگوی دریافت مفهوم^۵

۱- عملکردی که پس از آموزش از دانش‌آموز انتظار می‌رود، در آغاز جریان آموزش بیان شود؛ مثال توانایی تشخیص و تمیز ساخت واژه‌های تصریفی و اشتقاقی در جمله‌های تعیین شده.

۲- نمونه‌های ارائه شده به گونه‌ای انتخاب شود که موارد مثبت گویای مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم مورد نظر و موارد منفی با آن مفهوم کاملاً نامربوط باشد؛ مثلاً وقتی می‌خواهیم مفهوم نوشته یا نگارش ادبی را تدریس کنیم، نمونه‌ها را طوری انتخاب و ارائه می‌کنیم که نوشته‌های ادبی دربردارنده‌ی بیشترین خصوصیات نگارش ادبی بوده نوشته‌های غیر ادبی (علمی) کاملاً از نشانه‌های ادبی خالی باشند.

۳- لازم است دانش‌آموزان فعالیت‌ها و جریان‌های ذهنی و فکری خود را که با مفهوم مورد نظر و نحوه‌ی دریافت آن مرتبط است، به طور شفاهی یا کتبی بیان کنند. استفاده از کلام در یادگیری مفاهیم بسیار مؤثر

است و طبق این اصل، یادگیری مفاهیم با یادگیری مهارت‌های زبانی و ادبی ارتباط نزدیکی دارد.

۴- برای این که دانش‌آموزان مفاهیم را بهتر درک و دریافت کنند، باید نمونه‌ها و مثال‌های مثبت و منفی زیادی در اختیار آنان قرار گیرد؛ مثلاً اگر قرار است متمم قیدی یا اختیاری را آموزش دهیم، می‌توانیم تعدادی جمله یا بخشی از یک نوشته را که در آن متمم‌های قیدی با علامت مثبت و متمم‌های اجباری با علامت منفی مشخص شده است، در اختیار دانش‌آموزان بگذاریم. سپس جملات دیگری را به آنان معرفی کنیم تا مفاهیم مورد نظر را با علامت مثبت و مفاهیم نامربوط را با علامت منفی مشخص کنند؛ مثل جملات زیر:

الف- من دوستم را در خیابان دیدم + به او گفتم که فردا در مدرسه جلسه‌ای خواهیم داشت. در این جلسه موضوعات مهم آموزشی بررسی می‌شود. وقتی به او برخوردم، کتابی را از کتاب فروش + می‌خرید.

ب- خداوند نعمت‌های زیادی را به انسان بخشیده است. او برای هدایت بشر پیامبرانی را به میان مردم فرستاده است تا کلام او را به مردم بگویند. پیامبر اسلام (ص) از میان مردم عادی برخاست و به پیامبری مبعوث شد. او از قریش خواست تا به خداوند بکتا ایمان آورند.

۵- مثال‌ها و نمونه‌های مفهوم به طور پی در پی و متوالی عرضه شود؛ مثلاً در آموزش مفهوم قید بی‌نشانه ممکن است نمونه‌های مثبت نشان داده شود و پس از آن نام مفهوم به کمک دانش‌آموزان ذکر گردد. هم چنین ممکن است نمونه‌های مثبت و منفی به طور هم‌زمان یا پی در پی به دانش‌آموزان نشان داده شود و به هنگام ارائه‌ی مثال‌های تازه، مثال‌های قبلی نیز در معرض دید دانش‌آموزان قرار گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که تأثیر روش سوم بیشتر از دو روش قبلی است؛ زیرا در این حالت، دانش‌آموز برای یادآوری مثال‌های پیشین به حافظه‌ی خود رجوع نمی‌کند.

۶- فرصت‌هایی برای پاسخ‌گویی دانش‌آموزان پیش‌بینی و پاسخ‌های آنان تقویت گردد. معلم باید تا حد امکان از بازخوردهای منفی پرهیز کند؛ زیرا بازخورد منفی باعث دل‌سردی و ناامیدی دانش‌آموز می‌شود و از شرکت او در بحث‌ها و فعالیت‌های کلاسی جلوگیری می‌کند.

۷- لازم است یادگیری مفهوم تازه ارزش‌یابی شود. اگر قرار باشد دانش‌آموز ساخت واژه‌های تصریفی را از ساخت واژه‌های اشتقاقی تشخیص دهد، باید سؤال‌هایی در قالب ارائه‌ی چند نمونه طرح شود تا دانش‌آموز میزان تشخیص و تمیز خود را نشان دهد و از این طریق میزان دریافت مفهوم تازه روشن گردد. مراد از دریافت مفهوم ساخت واژه‌ی اشتقاقی این نیست که دانش‌آموزان فهم خود را در قالب تعاریف ارائه دهند بلکه ضرورت دارد ساخت واژه‌های اشتقاقی را در نمونه‌های داده شده مشخص کنند و علت انتخاب آن‌ها را توضیح دهند.

عرضه می‌شود. نمونه‌های مثبت زیر هم و نمونه‌های منفی زیر هم نشان داده می‌شود. به دانش‌آموزان می‌گوییم در نمونه‌ها و مثال‌های مثبت خواص و ویژگی‌های مشترکی وجود دارد که باید کشف و شناسایی شوند. دانش‌آموزان به مقایسه و توجیه ویژگی‌های نمونه‌ها می‌پردازند و در نهایت، مفاهیم دریافت شده را نام‌گذاری و فرضیه‌های خود را بیان می‌کنند. تأیید یا عدم تأیید این فرضیه‌ها در مرحله‌ی دوم انجام می‌گیرد.

■ مرحله‌ی دوم: آزمون دریافت مفهوم

در این مرحله، دانش‌آموزان با تشخیص و تمیز مثال‌ها و نمونه‌های بدون نام از مفهوم تازه و ارائه‌ی مثال‌هایی دیگر از خود، میزان دریافت خویش را از مفهوم ارزیابی می‌کنند. در این مرحله، معلم و دانش‌آموزان به تأیید یا رد فرضیه‌ها می‌پردازند.

■ مرحله‌ی سوم: تحلیل راهبردهای تفکر

در این مرحله، نحوه‌ی دریافت مفهوم را تحلیل و بررسی می‌کنند. برخی از دانش‌آموزان ممکن است فرضیه‌های خود را از زمینه‌های کلی شروع کنند و به تدریج به اجزا بپردازند و مفهوم را کشف و دریافت کنند (اشخاص کل نگر). برخی دیگر نیز با ساخت‌های محدود و جزئی شروع می‌کنند و در نهایت به نتیجه‌گیری کلی دست می‌یابند (اشخاص جزئی نگر یا دارای تفکر استقرایی). در هر دو حال، آنان شیوه‌ی تفکر خود را شرح می‌دهند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این الگو در آموزش مفاهیم کاملاً مرتبط با موضوع درسی زبان فارسی (زبان‌شناسی، دستور، املا و نگارش) کاربرد بیشتری دارد. البته مفاهیم متون ادبی را نیز با این الگو می‌توان آموزش داد اما به نظر می‌رسد که «الگوی پیش‌سازمان‌دهنده» برای آموزش متون ادبی مناسب‌تر باشد.

تنیسون و همکارانش (۱۹۸۶) درباره‌ی آموزش و یادگیری مفاهیم تحقیقاتی انجام داده‌اند. آنان ضمن تحقیق به مقایسه‌ی دو نوع آموزش پرداختند؛ در آموزش نوع اول، خود دانش‌آموزان مفاهیم مورد نظر را کشف می‌کردند و به ویژگی‌ها و تعاریف آن‌ها پی می‌بردند. این آموزش کاملاً با الگوی دریافت مفهوم مطابق بود. در آموزش نوع دوم، ابتدا تعاریف و توضیحات مربوط به مفهوم مورد بحث واقع می‌شد؛ سپس نمونه‌ها و مثال‌ها ارائه می‌گردید. دانش‌آموزان در هر دو روش به موقعیت‌هایی دست یافتند اما ثابت شد که وقتی بررسی نمونه‌ها بر ارائه‌ی تعاریف مجرد و ذهنی مقدم باشد، مطالب و مفاهیم برای مدت بیشتری در ذهن افراد باقی می‌ماند. هم‌چنین ثابت شد که نخستین نمونه‌های ارائه شده باید از روشن‌ترین نمونه‌های ممکن باشند تا دانش‌آموزان دچار ابهام و سردرگمی نشوند.^۶

مرحله‌ی اول: شناسایی مفهوم

در این مرحله، مفهوم مورد نظر در قالب نمونه‌های مثبت یا منفی

مرحله‌ی سوم	مرحله‌ی دوم	مرحله‌ی اول
تحلیل راهبردهای تفکر	آزمون دریافت مفهوم	شناسایی مفهوم
- دانش‌آموزان نحوه‌ی تفکر خود را توضیح می‌دهند.	- دانش‌آموزان مثال‌ها و نمونه‌های دیگری را بدون طرح نام مفهوم با عنوان «بلی و خیر» تشخیص و تمیز می‌دهند.	- معلم نمونه‌ها و مثال‌هایی برای مفهوم تازه ارائه می‌دهد.
- دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی کشف مفهوم تازه بحث می‌کنند.	- معلم بر اساس ویژگی‌های مفهوم تازه، فرضیه‌ها را تأیید، مفهوم را نام‌گذاری و تعاریف لازم را بیان می‌کند.	- دانش‌آموزان به مقایسه‌ی ویژگی‌ها و خواص در نمونه‌های مثبت و منفی می‌پردازند.
- دانش‌آموزان درباره‌ی ویژگی‌های مفهوم، گفت‌وگو می‌کنند.	- دانش‌آموزان مثال‌های دیگری را بیان می‌کنند.	- دانش‌آموزان فرضیه‌هایی درباره‌ی مفهوم تازه طرح می‌کنند.
- دانش‌آموزان درباره‌ی نوع و تعداد فرضیه‌ها بحث می‌کنند.		- دانش‌آموزان بر اساس ویژگی‌ها و خواص حدسی به بیان قواعد یا تعاریف می‌پردازند.

مرحله‌ی اول: شناسایی مفهوم

یادداشت‌ها:

- ۱- شماره‌های ۴۷ و ۴۸ مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ص ۲۴.
- ۲- شماره‌ی ۴۹ مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ص ۳۰.
- ۳- برگرفته از کتاب‌های ادبیات فارسی ۱ تا ۶ جدید التالیف.
- ۴- برگرفته از مباحث دستوری کتاب‌های زبان فارسی ۱ تا ۶ جدید التالیف.
- ۵- با الهام از اصول و روش‌های پیشنهادی دی‌جکو رگرفورد (۱۹۷۴)، مندرج در روان‌شناسی پرورشی، دکتر علی‌اکبر سیف، ۱۳۷۱، ص ۴۹۹.
- ۶- الگوهای تدریس، جوینس و همکاران، ترجمه‌ی دکتر محمد رضا بهرنگی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۶.